

رابطه سلامت خانواده اصلی و سبک حل تعارض سازنده و غیر سازنده با صمیمیت زناشویی: بررسی نقش واسطه‌ای عدالت زناشویی

محمد حسینی^۱، محسن رسولی^۲، علی محمد نظری^۳، ایمان خاکپور چناری^۱

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۶

چکیده

زمینه و هدف: این پژوهش با هدف ارزیابی اثرات مستقیم و غیر مستقیم سلامت خانواده اصلی و سبک های حل تعارض سازنده و غیر سازنده از طریق نقش واسطه عدالت زناشویی بر صمیمیت زناشویی انجام شد.

روش بررسی: نمونه ی پژوهش شامل ۲۴۰ معلم زن متأهل شهرستان ممسنی بود که به روش تصادفی خوشه ای انتخاب شدند و پرسشنامه های ادراک انصاف برای سنجش عدالت زناشویی، سلامت خانواده اصلی، صمیمیت زناشویی و سبک های حل تعارض را تکمیل کردند. برای تحلیل داده ها از ابزار SPSS ۱۸ و AMOS استفاده گردید. مدل ارزیابی شده از شاخص برازندگی خوبی برخوردار بود.

یافته ها: یافته های تحقیق نشان داد که سلامت خانواده اصلی و سبک های حل تعارض سازنده و غیر سازنده (به ترتیب در سطح $p < 0.05$ ، $p < 0.05$ و $p < 0.01$) به طور مستقیم با صمیمیت زناشویی رابطه معنادار دارد. همچنین سلامت خانواده اصلی و سبک های حل تعارض سازنده و غیر سازنده به طور غیر مستقیم و از طریق نقش واسطه ای عدالت زناشویی (به ترتیب در سطح $p < 0.01$ ، $p < 0.05$ و $p < 0.05$) با صمیمیت زناشویی رابطه معنا دار دارد.

بحث و نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاضر را می توان در افزایش صمیمیت زناشویی به کار گرفت؛ زیرا عدالت در روابط زن و شوهر و سبک های حل تعارض سازنده و غیر سازنده از طریق آموزش و مشاوره به هنگام، قابل دستکاری است. همچنین سلامت خانواده اصلی و اثرات آن در زندگی زناشویی فرزندان می تواند در جلسات مشاوره پیش از ازدواج و بعد از ازدواج مورد توجه مشاوران و روان درمانگران قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سلامت خانواده اصلی، عدالت زناشویی، صمیمیت زناشویی و سبک های حل تعارض.

مقدمه

است که اغلب در روابط زناشویی مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد و به عنوان توانایی ارتباط برقرار کردن با دیگران با حفظ فردیت تعریف می شود، بنابراین فرد باید به درجه ای از رشد فردی دست یابد تا بتواند با دیگران رابطه ای صمیمانه برقرار کند (۲). در این میان عوامل مختلفی مانند خانواده اصلی، شیوه حل تعارض و احساس عدالت و انصاف در روابط بین زن و شوهر بر سطح صمیمیت زناشویی مؤثر است.

یکی از نظریه های که تأثیر خانواده ای اصلی را بر ازدواج فرزندان بررسی می کند، نظریه روابط شیء است. این نظریه عنوان می کند که روابط شیء مجموعه ای از فرایندهای شناختی و عاطفی است که از عملکرد فردی در روابط با افراد نزدیکشان است. این نظریه مدعی است که مؤلفه های زندگی زناشویی، از طریق خانواده بویژه کسانی که در رابطه نزدیک با کودک هستند نهادینه می شود. در واقع تعامل پدر و مادر یا مراقبت کننده کودک در طول عمر باعث شکل گیری عملکرد فرد بر روابط بعدی و حتی درک

عناصر تشکیل دهنده یک ازدواج موفق عشق، ارتباط خوب، تعهد، تفاهم، نگرانی، مراقبت از همدیگر و باهم بودن است. ارتباط مؤثر شرط لازم برای سلامت روانی و عاطفی، شادی و ثبات زناشویی می باشد. زن و شوهر با برقراری ارتباط صمیمی و انتقال احساسات و افکار و بیان نیازها مشکلات به وجود آمده در زندگی مشترکشان را حل و فصل می کنند؛ بنابراین زن و شوهر زمانی به رضایتمندی می رسند که به اندازه کافی در ارتباطشان با یکدیگر صمیمی و در حل مشکلاتی که در زندگی شان به وجود می آید با یکدیگر همکاری کنند (۱). صمیمیت یکی از متغیرهای رایجی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران.

(نویسنده مسؤل) Email:hossinimohammad79@yahoo.com

۲. استادیار گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران.

می‌شود؛ درحالی‌که راه‌های مخرب مقابله با تعارض ممکن است اختلال و اضطراب را در رابطه زوجین تشدید کند (۸). بنابراین عدم توانایی برای اصلاح مشکلات یا مدیریت ناسالم تعارض‌ها می‌تواند، مقدمه‌ای باشد که زوج را از همدیگر جدا کند. این برخورد غیر سازنده با تعارض، میزانی از انرژی روانی، احساسی و فیزیکی فرد را می‌گیرد (۹). تحقیقات نیز رابطه سبک‌های حل تعارض را با کیفیت رابطه زناشویی نشان داده‌اند. به طوری‌که استفاده از سبک حل تعارض سازنده با رضایت زناشویی (۸-۱۰-۱۱) استفاده از سبک غیر سازنده با افسردگی و نارضایتی زناشویی (۱۲)، رابطه منفی با کیفیت رابطه زناشویی (۱۳) نشان داده‌اند.

یکی از نظریه‌هایی که به تبیین کیفیت روابط بین زوج‌ها می‌پردازد، رویکرد انصاف^۶ است. با توجه به اصول نظریه برابری، افراد در زندگی زناشویی به دنبال مقایسه سرمایه‌گذاری و پاداشی هستند که از طرف مقابلشان به دست آورده‌اند. این نظریه عنوان می‌کند که افراد وقتی دارای رضایت نسبتاً کامل هستند که بین سرمایه‌گذاری و پاداش تفاوت زیادی نباشد و احساس بی‌عدالتی نکنند. اما اگر نسبت به سرمایه‌گذاری‌شان، پاداش کمتری نصیبشان شود، در رابطه مضطرب و ناراضی خواهند بود (۱۴). مطالعات مختلف در مورد عدالت زناشویی نشان می‌دهد که ناعادلانه بودن در روابط زناشویی، رضایت از رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، هس، پولوم و فانی^۷ (۱۵)، عدالت و انصاف در روابط زناشویی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که رابطه معنی‌داری بین عدالت و رضایت زناشویی وجود دارد. بهمینی و همکاران (۱۴)، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بین رضایت زناشویی و عدالت در رابطه زوجی، رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های مطالعه پری^۸ (۱۶)، با عنوان ارزیابی رابطه بین ادراک عدالت زناشویی و کیفیت زناشویی در سه نژاد قفقازی، آفریقایی و اسپانیایی - آمریکایی نشان داد که میزان ادراک انصاف بالا با کیفیت زناشویی بهتر در هر سه نژاد رابطه معنادار دارد. از این رو عدالت در حوزه‌های مختلف زندگی زناشویی چون تقسیم کار و مسؤلیت‌های درون خانگی، نگهداری و تربیت فرزندان، کسب درآمد و خرج کردن پول می‌تواند مطرح شود. بنابراین در این پژوهش به بررسی نقش واسطه‌ای عدالت زناشویی در رابطه بین سلامت خانواده اصلی و سبک حل تعارض سازنده و غیرسازنده با صمیمیت زناشویی می‌پردازیم.

روش بررسی

این پژوهش یک پژوهش توصیفی از نوع طرح‌های همبستگی است. جامعه آماری در این پژوهش را تمامی معلمان زن متأهل

فرد از خود می‌شود؛ علاوه بر این، روابط در دوران بزرگسالی، اغلب انعکاس تکرار مسائل مربوط روابط گذشته است. مشکل در روابط شئیء ممکن است در انواع مختلف الگوهای ناکارآمد آشکار شود. این مشکلات عبارت است از: شکست در برقرار کردن تعادل بین استقلال و وابستگی، ناتوانی در مدیریت تعارض، عدم اعتماد در روابط، مشکل در اعتماد به نفس، عزت نفس پایین و عدم تحمل برای خشنودی و گرفتن پاداش و نداشتن تحمل در نزدیکی و جدایی. از این رو تکرار الگوهای ناکارآمد، پراکنده‌گی هویت و ویژگی‌های ادراک شده از خانواده اصلی می‌تواند در روابط دوران بزرگسالی آسیب وارد کند (۳). طبق رویکرد رشدی^۱ فارمن^۲، افراد بزرگسال در روابط رمانتیک آن چیزی را تعمیم می‌دهند که از قبل در روابطشان با والدین و نزدیکانشان آموخته‌اند. در واقع ویژگی‌های روابط رمانتیک شبیه رابطه فرد با والدین و نزدیکانشان می‌باشد به این صورت که تجربه‌ی الگوهای کارآمد و برقراری روابط صمیمی و تعهد در دوران کودکی و نوجوانی باعث انتقال این تجربه‌های مثبت در روابط عاشقانه است و برعکس (۴). از چشم‌انداز نظریه چند نسلی بوئن^۳، ساختار خانواده اصلی به‌عنوان میراثی در طول زندگی بعدی افراد؛ یعنی روابط زناشویی تأثیرگذار است. تحقیق مورارا و ترلیک^۴ (۵) نشان داد که، مفاهیم درک شده افراد از خانواده اصلی پیش‌بینی کننده الگوی دل‌بستگی عاشقانه است. ویسز^۵ (۶)، در یک مطالعه‌ی کیفی تجارب و ویژگی‌های فردی را در ازدواج مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که خانواده‌ی اصلی در کیفیت و موفقیت زندگی زناشویی اثر پایداری دارد. به این صورت که بیش از ۷۰٪ از شرکت‌کنندگان در این پژوهش، رفتار و ارتباط والدین خود را به‌عنوان یک الگو در ازدواج می‌دانستند. ویسز عنوان می‌کند که مشاهده فرایند الگوهای ارتباطی، الگوهای عاطفی، سبک‌های حل تعارض، تلاش و جدیت، مذهب، الگوهای نظم و انضباطی، مراقبت از همدیگر، احترام و تعهد، در خانواده اصلی بخصوص بین پدر و مادر، از مواردی است که فرزندان به‌عنوان هدف یا چیزی که ارزش تقلید در روابط زوجی آینده دارد شناسایی شدند.

یک عامل مهم در کیفیت رابطه زناشویی، چگونگی برخورد زوج با تعارض به وجود آمده در رابطه‌شان است. مهارت‌های حل تعارض می‌تواند یک شاخص کلیدی در روابط عاشقانه موفق باشد. تحقیقات نشان داده است که کیفیت روابط عاشقانه در آینده زوج‌ها بستگی زیادی به چگونگی استفاده از شیوه‌های حل تعارض به وجود آمده در روابط زوجی دارد (۷). روش سازنده برای رسیدگی به تعارضات در رابطه زناشویی باعث تسهیل صمیمیت

1. Developmental Approach
2. Furman
3. Bowen
4. Muraru&Turluc
5. Weiss

6. Equity Theory

7. Hess, Pollom&Fannin

8. Perry

پرسشنامه سبک‌های حل تعارض^۵ نسخه (ROCI-II) برای سنجش سبک‌های حل تعارض سازنده و غیر سازنده از نسخه دو سبک‌های حل تعارض رحیم^۶ (۱۹۸۳)، استفاده شد. این مقیاس شامل ۲۸ ماده که متشکل از ۵ خرده مقیاس اجتنابی، مصالحه، مسلط، ملزم شده و یکپارچه (۲۱) و سه زیرمقیاس کلی می‌باشد که عبارت‌است از: ۱- سبک حل تعارض سازنده: این سبک کلی از مجموع دو سبک یکپارچه و ملزم شده به دست می‌آید. ۲- سبک حل تعارض غیر سازنده: این سبک کلی از مجموع دو سبک مسلط و سبک اجتنابی به دست می‌آید. ۳- سبک مصالحه: این شیوه در نقطه میانی توجه و انتظارات دیگران و نیازهای خود قرار دارد و به تقسیم امتیازات بین طرفین اشاره دارد (۱۳). ماده‌های این مقیاس به شکل لیکرت ۵ درجه‌ای (از ۱ تا ۵) نمره‌گذاری می‌شود (۲۲). در تحقیقات مختلف پایایی این مقیاس از ۰/۷۲ تا ۰/۸۳ گزارش شده است (۲۱). این پرسشنامه در پژوهش‌های گذشته از روایی (بین ۰/۵۰ تا ۰/۹۵) مناسبی برخوردار بوده است (۱۳). در این پژوهش نیز پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس، ۰/۷۹ و برای زیر مقیاس سبک حل تعارض سازنده، ۰/۷۳ و برای سبک حل تعارض غیر سازنده ۰/۷۰ محاسبه شد.

سنجه ادراک انصاف^۷ (PEM) پیری (۲۰۰۴) (۱۶): در این سنجه انصاف به‌عنوان شاخصی برای سنجش عدالت زناشویی در نظر گرفته شده است و شامل ۴ سؤال است که عدالت را در ۴ حیطة انجام دادن کارهای خانه، کار کردن برای کسب درآمد، خرج کردن پول و نگهداری از فرزندان می‌سنجد. سؤال‌های این سنجه به صورت طیف لیکرت بهتر تیباز ۱- بسیار ناعادلانه از نظر من، ۲- بسیار ناعادلانه از نظر همسر من، ۳- تاحدی ناعادلانه از نظر من، ۴- تاحدی ناعادلانه از نظر همسر من، ۵- عادلانه برای من و همسر من نمره گذاری می‌شوند. به این صورت که کمترین نمره ۴ و بالاترین نمره ۲۰ می‌باشد که به ترتیب نشان‌دهنده عدالت پایین و عدالت بالا در رابطه است (۲۳). خجسته مهر، فرامرزی و رجبی (۲۴) در پژوهش خود پایایی این سنجه را با روش آلفای کرون باخ در نمونه زنان ۰/۸۱ و در نمونه مردان ۰/۸۳ به دست آوردند و ضریب اعتبار سازه این سنجه را با همبسته کردن آن با ۱۰ سؤال مربوط به متغیر رضایت زناشویی در پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۸، در نمونه زنان ۰/۷۰ و در نمونه مردان ۰/۶۱ محاسبه کردند ($p < 0.01$). همچنین پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد.

به‌منظور ارزیابی نقش واسطه‌ای عدالت زناشویی در ارتباط بین سلامت خانواده اصلی و سبک حل تعارض سازنده و غیر سازنده

شهرستان ممسنی که شامل حدود ۶۰۰ نفر می‌باشند و در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ مشغول به تدریس بودند، تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد، به این صورت که برای انتخاب نمونه، در مرحله اول پژوهشگر با مراجعه به اداره‌ی آموزش و پرورش شهرستان ممسنی، فهرستی از تمام مدارس ابتدایی، راهنمایی دخترانه و دبیرستان دخترانه، (این سه مقطع از مدارس به این دلیل انتخاب شدند که معلمان زن اغلب در این مدارس مشغول به تدریس می‌باشند و مدارس پسرانه راهنمایی و پسرانه دبیرستان در جامعه آماری این پژوهش قرار نگرفتند) که شامل ۹۳ مدرسه می‌باشد، تهیه کرد. در مرحله بعد، ۳۰ مدرسه از این فهرست به صورت تصادفی انتخاب شد و در هر مدرسه به‌طور تصادفی ۸ معلم زن متأهل پرسشنامه‌های این پژوهش را تکمیل نمودند که در مجموع، ۲۴۰ معلم زن متأهل، نمونه این پژوهش را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش از چهار ابزار برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد که شامل:

مقیاس صمیمیت زناشویی^۱ (MIS_17): مقیاس صمیمیت زناشویی توسط تامپسون و والکر^۲ (۱۹۸۳): که ۱۷ سؤال دارد و برای سنجیدن میزان صمیمیت زوج‌ها تنظیم شده است. دامنه نمره‌های آن بین ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) و نمره بالاتر نشانه صمیمیت بیشتر است (۱۷). ضریب پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ گزارش شد (۱۸). روایی این پرسشنامه از طریق اجرای همزمان با پرسشنامه صمیمیت باگروزی و برآورد ضریب همبستگی آن ۰/۸۲ محاسبه شد و در سطح (۰/۱) معنادار بود که نشان‌دهنده روایی ملاکی بالایی برای این مقیاس است (۱۹). همچنین پایایی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۵ محاسبه شد.

مقیاس سلامت خانواده اصلی^۳ (FOS): این پرسش نامه توسط هاوشات، اندرسون، پیری، کوچران و فاین^۴ در سال ۱۹۸۵ تهیه شد. مقیاس خانواده اصلی یک‌بازار ۴۰ سؤال است که ادراک و استنباط شخص را از میزان سلامت خانواده اصلی در دو بعد استقلال و صمیمیت به‌عنوان دو مفهوم کلیدی بررسی می‌کند. هریکاز ۴۰ پرسش‌های پرسشنامه براساس یک مقیاس پنج درجه‌ای (از یک تا پنج) درجه‌بندی شده است (۱۷). کرمی (۲۰) پایایی این مقیاس را با روش باز آزمایی محاسبه کرد که نشان داد مقیاس از پایایی قابل قبولی برخوردار است. همچنین روایی سازه این پرسشنامه توسط کرمی (۲۰)، با روش تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت (همبستگی کلیه‌ی سؤال‌ها بالای ۰/۳). پایایی این پرسشنامه در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۶ برآورد شد.

5. conflict resolution styles Scale
6. Rahim
7. Perceived Equity Measure
8. Enrich

1. Marital Intimacy Scale
2. Thompson & Walker
3. family- of- origin health Scale
4. Hovestadt, Anderson, Piercy, Cochran & Fine

معنادار بودن مدل کلی، اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها در مدل بررسی شد که نتایج آن در جدول شماره ۴ آمده است. در شکل ۱ نیز مدل نهایی مفهومی پژوهش همراه با اثر متغیر واسطه‌ای عدالت زناشویی مشاهده می‌شود.

با صمیمیت زناشویی، از تحلیل مسیر استفاده شد و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار AMOS و SPSS ۱۸ مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

جدول (۱): اطلاعات توصیفی متغیرها

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
سبک حل تعارض سازنده	۴۹/۵۸	۵/۶۷
سبک حل تعارض غیر سازنده	۲۹/۴۷	۶/۳۱
سلامت خانواده اصلی	۱۵۱/۲۸	۱۴/۰۷
عدالت زناشویی	۱۸/۵۲	۲/۹۴
صمیمیت زناشویی	۱۰۴/۸۴	۱۵/۶۷

میانگین سن آزمودنی ۳۴/۷۱ و انحراف استاندارد آن ۵/۲۷ برآورد شد. در جدول شماره ۱ اطلاعات توصیفی متغیرها شامل میانگین و انحراف استاندارد آورده شده است. جدول شماره ۲ نشان‌دهنده ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش می‌باشد. بر اساس این جدول بین تمامی متغیرهای پژوهش همبستگی معنادار وجود دارد و فقط رابطه بین سبک غیر سازنده با سازنده معنادار نیست ($p < 0/01$). جدول شماره ۳ نشان‌دهنده شاخص‌هایی برای بررسی برازندگی مدل کلی می‌باشد، که مناسب بودن مدل پیشنهادی را تأیید می‌کند ($\chi^2 = 10/6$ و $p < 0/05$). با توجه به

جدول (۲): ماتریس همبستگی بین متغیرها

متغیرها	سبک سازنده	غیر سازنده	خانواده اصلی	صمیمیت زناشویی	عدالت زناشویی
سبک حل تعارض سازنده	۱				
سبک حل تعارض غیر سازنده	۰/۰۴۵	۱			
سلامت خانواده اصلی	۰/۳۲۰**	-۰/۵۲۰**	۱		
صمیمیت زناشویی	۰/۴۴۵**	-۰/۴۳۹**	۰/۵۰۶**	۱	
عدالت زناشویی	۰/۱۹۱**	-۰/۵۰۸**	۰/۴۵۵**	-۰/۵۴۲**	۱

** $p < 0/01$

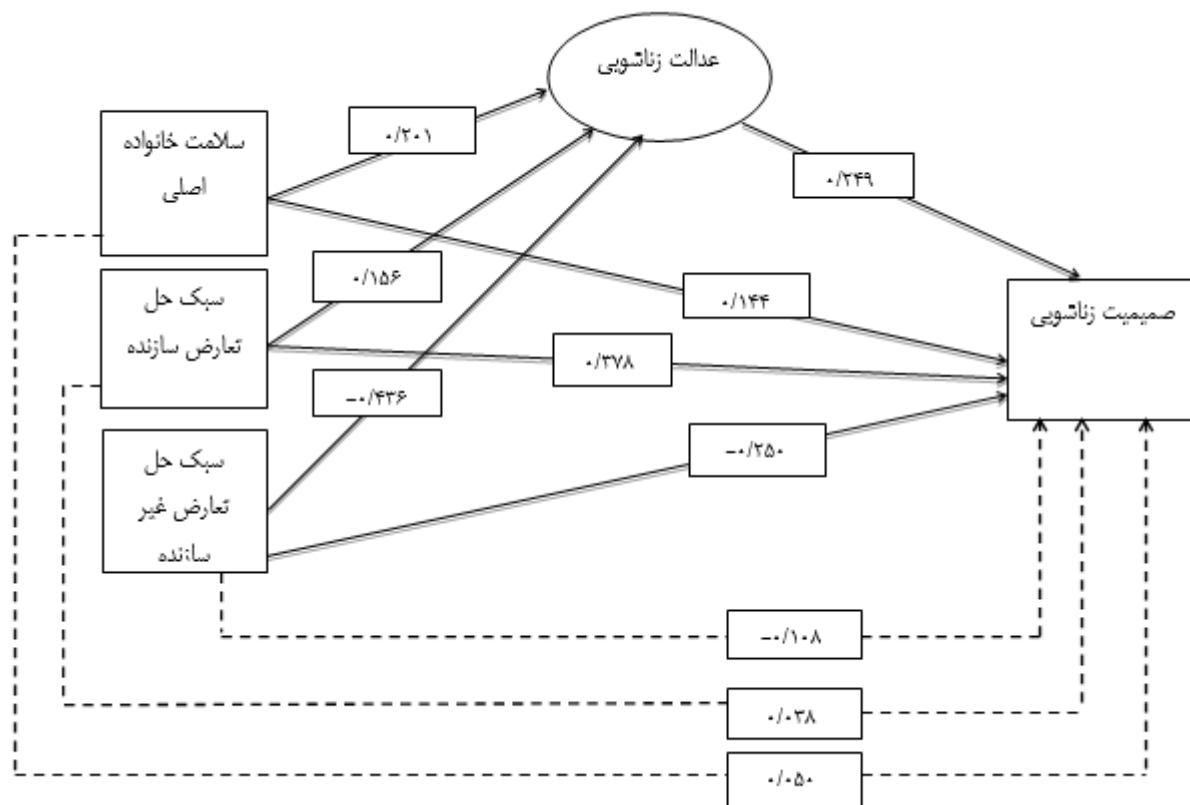
جدول (۳): آزمون‌های برازندگی مدل کلی

آماره	χ^2	Df	p	RMR	GFI	RMSEA
مقدار	۱۰/۶	۱	۰/۰۴۸	۰/۳۷۲	۱	۰

جدول (۴): میزان و سطح معناداری اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل استاندارد شده

اثر مستقیم	سطح معناداری	اثر غیرمستقیم	سطح معناداری	اثر کل	سطح معناداری
سبک حل تعارض غیر سازنده بر عدالت زناشویی	-۰/۴۳۶	-	-	-۰/۴۳۶	۰/۰۱۲*
سبک حل تعارض سازنده بر عدالت زناشویی	۰/۱۵۶	-	-	۰/۱۵۶	۰/۰۱۴*
سلامت خانواده اصلی بر عدالت زناشویی	۰/۲۰۱	-	-	۰/۲۰۱	۰/۰۰۶**
سبک حل تعارض غیر سازنده بر صمیمیت زناشویی	-۰/۲۵۰	-۰/۱۰۸	-	-۰/۳۷۹	۰/۰۰۵**
سبک حل تعارض سازنده بر صمیمیت زناشویی	۰/۳۷۸	۰/۰۳۸	-	۰/۴۲۴	۰/۰۰۵**
سلامت خانواده اصلی بر صمیمیت زناشویی	۰/۱۴۴	۰/۰۵۰	-	۰/۲۰۳	۰/۰۰۷**
عدالت زناشویی بر صمیمیت زناشویی	۰/۲۴۹	-	-	۰/۲۴۹	۰/۰۱۲*

** $p < 0/01$

* $p < 0.05$ 

اثر مسیر مستقیم
اثر مسیر غیرمستقیم

شکل (۱): مدل نهایی مفهومی پژوهش

بنابراین، هر سه مسیر مستقیم و غیر مستقیم در این پژوهش معنادار شدند. از این رو نتایج این پژوهش با یافته پژوهش های ویسنز (۶)، وان وورهیس و سالیسبوری^۱ (۳)، ساموهانو^۲ (۹)، دیلدار، سیتوات و یاسین^۳ (۸)، مورارا و ترلیک (۵)، بهمنی و همکاران (۱۴)، اسچودیک، پاپ و کامینگر^۴ (۱۲)، هاروکس^۵ (۱۰)، چنگ^۶ (۱۱)، هس، پولوم و فانی (۱۵)، پری (۱۶)، خجسته‌مهر و کوچکی و رجبی (۱۳) هماهنگ است.

بحث و نتیجه گیری

هدف این مطالعه، بررسی نقش واسطه ای عدالت زناشویی در رابطه بین سلامت خانواده اصلی و سبک حل تعارض سازنده و غیر سازنده با صمیمیت زناشویی بود. نتایج این پژوهش نشان داد که عدالت زناشویی می تواند در این رابطه نقش واسطه ای ایفا کند و در صمیمیت زناشویی اثر گذار باشد. از شش مسیر ارائه شده در مدل پژوهش (شکل ۱)، سه مسیر مستقیم سلامت خانواده اصلی و سبک حل تعارض سازنده و غیرسازنده با صمیمیت زناشویی رابطه معنادار به دست آمد و سه مسیر غیر مستقیم با نقش واسطه ای عدالت زناشویی نیز معنادار شد.

1. Van Voorhis & Salisbury
2. Somohano
3. Dildar, Sitwat & Yasin
4. Schudlich, Papp & Cummings
5. Horrocks
6. Cheng

خاطر او رفتار منصفانه ای را در پیش گرفته است افزایش رضایت زناشویی و در نتیجه بهبود کیفیت زناشویی را باعث می شود (۲۳).

برای تبیین نقش واسطه ای عدالت زناشویی بین سلامت خانواده اصلی با صمیمیت زناشویی می توان بیان کرد که یکی از عوامل مؤثر بر انتظارات زناشویی سطح سلامت خانواده اصلی می باشد (۲۸). از دیدگاه نظریه یادگیری بندورا^۱، یادگیری عمدتاً ناشی از تجاربی است که از طریق مشاهده رفتار فرد دیگر و پیامدهای آن شکل می گیرد. در این نظریه کودکان نقش های جنسیتی را می آموزند و همچنین می آموزند که کدام رفتارهای جنسیتی را انجام دهند. بنابراین از دیدگاه نظریه یادگیری، در خانواده هایی که اعضای آن در دوران کودکی شاهد برابری بین والدین خود بوده اند، احتمال بروز این ویژگی ادراک شده را در روابط خارج از خانواده اصلی و روابط زناشویی به مراتب بیشتر از کسانی است که این ویژگی را در روابط خانواده خود کسب نکرده اند. به عبارت دیگر، زانی که در دوران کودکی در فضای خانوادگی جامعه پذیر شده اند که رابطه برابر میان پدر و مادر وجود داشته است، پذیرفتن عدالت در آن ها درونی می شود و یاد می گیرند در روابط بیرون از خانواده و در جامعه، سنگ بنای رابطه را بر عدالت و انصاف قرار دهند. این امر در زندگی زناشویی آن ها نیز به صورت پذیرش رابطه ای برابر از طرف فرد ادامه می یابد. پس بر اساس این نظریه می توان سابقه مشاهده عدالت و تجربه آن توسط افراد در خانواده اصلی را مد نظر گرفت. در واقع آن هایی که تجربه نابرابری در خانواده اصلی نداشته اند روابط متوازن تری را با همسر خود دارند و بر عکس. به طور کلی تحت تأثیر فرایند نوگرایی و گرایش زنان به تحصیل و شغل، آن ها توانسته اند تا حدودی از نابرابری هایی که در حق آنها روا داشته می شود بکاهند و مهمتر اینکه توانسته اند دیدگاه و نگرش جامعه و همسران خود را به عنوان انسان هایی منفعل و وابسته تا حدی تغییر دهند؛ اما هنوز تا رسیدن به جامعه ای با روابط زناشویی برابر و ایده آل راه طولانی در پیش است (۲۹). گستره انصاف و عدالت در روابط زناشویی شامل: عدالت در انجام کارهای خانه، کسب درآمد، خرج کردن پول و نگهداری از فرزندان است، ویژگی هایی که می تواند از خانواده اصلی به ازدواج آورده شود و منجر به رسیدن به سطح مطلوبی از احساس عدالت زناشویی و در نهایت افزایش صمیمیت زناشویی خواهد شد.

برای تبیین مسیر مستقیم و غیر مستقیم سبک های حل تعارض سازنده و غیر سازنده با صمیمیت زناشویی می توان گفت که سبک حل تعارض سازنده مستلزم اهمیت دادن زیاد به نگرانی های خود و نگرانی های دیگران است. این سبک، مستلزم تشریک مساعی بین دو طرف است، مثل گشودگی، مبادله اطلاعات، بررسی تفاوت ها و یافتن راه حل قابل قبول برای هر

در تبیین مسیر مستقیم و غیر مستقیم سلامت خانواده اصلی صمیمیت زناشویی با نقش واسطه ای عدالت زناشویی؛ می توان گفتکه رویکرد بوئن، رویکرد روابط شیء و رویکرد رشدی فارمن معتقدند که افراد شیوه های ارتباطی ادراک شده از خانواده اصلی را در روابط زناشویی و سایر روابط مهم خود تکرار می کنند. در واقع زوج ها جنبه های مشابهی از خانواده اصلی خود را با خود به رابطه زناشویی می برند که یکی از این جنبه ها میزان صمیمیتی است که آنها از خانواده خود به ارث برده اند. به طور خلاصه اینکه سلامت خانواده اصلی تعیین کننده کیفیت رابطه زناشویی فرزندان و وضعیت روانی - عاطفی آن ها در ازدواجشان است (۲۵). سلامت فردی و زناشویی والدین یا کیفیت روابط آن ها بر سلامت فرزندان و برعکس تأثیر گذار است (۲۶).

انسانها همواره در روابط اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و زناشویی خود خواستار روابط منصفانه هستند، آنها آگاهانه یا ناآگاهانه دائماً در حال احتساب سودی هستند که از مشارکت در یک رابطه نصیبشان می شود. امروزه ادراک انصاف عامل بسیار مهم و تعیین کننده ای در چگونگی روابط زناشویی و کیفیت زناشویی است؛ اما در ازدواج سنتی جایگاه و نقش افراد محدود و مشخص بودند، شوهر اقتدار و حمایت اقتصادی را فراهم می کرد و زن مسؤولیت منزل و تربیت کودکان را برعهده داشت. با گذشت زمان و پر رنگ شدن نقش زنان در اجتماع این وضع تغییر کرد. اشتغال زنان باعث شد که در درآمد زایی با همسر شریک شوند و این امر سبب افزایش قدرت و نقش آنان در خانواده شد. همچنین شرکت زنان در اجتماع و به وجود آمدن نقش های جدید سبب افزایش آگاهی آنها نسبت به حق و حقوقشان و تساوی حقوق زن و مرد و مسئله ی انصاف شد. بنا بر این اگر مسؤولیت ها و وظایف در زندگی زناشویی به درستی و با عدالت تقسیم نشود، ممکن است هر یک از زن و شوهر از خودشان پیرسند که: چرا باید این رابطه را حفظ کنم در حالی که بهای زیادی برای آن می پردازیم؟ و این می تواند نقطه شروعی برای کاهش رضایت و از بین رفتن صمیمیت در بین زن و شوهر باشد (۲۷). بنابراین هنگامی که در حیطه های مختلف زندگی تقسیم مسؤولیت ها و وظایف منصفانه باشد، این موضوع باعث صمیمیت بیشتر میان زوج ها می شود و از آنجایی که زن و شوهر احساس بی عدالتی در روابط شان نمی کنند، لذا انگیزه آنها برای حل مشکلات و از بین بردن تعارضات زناشویی افزایش می یابد. در واقع نظریه انصاف عنوان می کند که هرچه میزان ادراک برابری در رابطه بین زن و شوهر افزایش یابد، احساس خوشایندی و صمیمیت نیز بیشتر می شود. از این رو زمانی که زوج ها احساس کنند عدالت در روابط آنها حاکم است و هر دوی آنها در رابطه هزینه و پاداش یکسانی دریافت می کنند با رضایت خاطر بیشتری وظایف و مسؤولیت های خود را انجام می دهند و این احساس که همسرشان آن ها را دوست دارد و برای رضایت

دو طرف می باشد. افراد در استفاده از این سبک هم به مشارکت و هم به ابراز وجود می پردازند. بنابراین، تعارض با توجه تفاوت ها و جستجوی راه حل های جدید به صورت سازنده رفع می شود. در نهایت یک وضعیت برنده - برنده^۱ پیش می آید که در آن زن و شوهر احساس بی عدالتی نمی کنند؛ اما سبک غیر سازنده به وسیله اهمیت دادن زیاد نگرانی ها به خود و اهمیت دادن پایین به نگرانی های دیگران مشخص می شود. در این سبک فرد تلاش می کند به اهدافش دست یابد، بدون این که برای دیگران اهمیتی قائل شود. در این سبک یک وضعیت رقابتی برنده - بازنده^۲ پیش می آید که در آن زن یا شوهر احساس بی عدالتی می کنند(۲۲). بنابراین، روش سازنده برای رسیدگی به تعارضات در رابطه زناشویی و اهتمام به درک نیازهای خود و همسر هنگام برخورد با تعارض، احساس عدالت و انصاف را در روابط زوجی افزایش می دهد و در پی این احساس برابری صمیمیت تسهیل می شود؛ در حالی که راه های مخرب مقابله با تعارض ممکن است اختلال و اضطراب را در رابطه زوجین تشدید کند(۸).

با وجود اینکه نمونه مورد پژوهش زنان بودند و مردان در آن لحاظ نشدند، نتایج برای تعمیم به مردان محدودیت دارد. پیشنهاد می شود پژوهشگران در ارتباط با تحقیقات آینده، نقش متغیرهای دیگر مؤثر بر صمیمیت زناشویی را وارد الگو کنند تا تبیین جامع تری فراهم شود و درک عمیق تری از صمیمیت زناشویی به دست آید.

تشکر و قدردانی

از مدیریت محترم آموزش و پرورش شهرستان ممسنی و معلمان گرامی جهت همکاری در این پژوهش کمال تشکر را داریم.

References:

1. Esere M, Yeyeodu A, Oladun C. Obstacles and Suggested Solutions to Effective Communication in Marriage as Expressed by Married Adults in Kogi State, Nigeria. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2014;114:584-92.
2. Nazare B, Fonseca A, Gameiro S, Canavarro MC, Dattilio FM. Amniocentesis due to advanced maternal age: The role of marital intimacy in couples' decision-making process. *Contemporary Family Therapy*. 2011; 33: 128-142.
3. Van V, Patricia S, Emily J. *Correctional Counseling and Rehabilitation*, 8th ed. San Francisco. Anderson Publishing; 2014.
4. Simon VA, Furman W. Interparental Conflict and Adolescents' Romantic Relationship Conflict. *Journal of research on adolescence*. 2010; 20: 188–209.
5. Muraru AA, Turliuc MM. Family-of-origin, romantic attachment, and marital adjustment: a path analysis model. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2012; 33: 90-94.
6. Weiss JM. Marital Preparation, Experiences, and Personal Qualities in a Qualitative Study of Individuals in Great Marriages. MA Dissertation. Utah State University. 2014;72.
7. Weisskirch R, Delevi R. Attachment style and conflict resolution skills predicting technology use in relationship dissolution, *journal Computers in Human Behavior*. 2013; 29: 2530–2534.
8. Dildar S, Aisha S, Sumaira Y. Intimate Enemies: Marital Conflicts and Conflict Resolution Styles in Dissatisfied Married Couples. *Middle-East Journal of Scientific Research*. 2013; 15: 1433-39.
9. Somohano V. Mindfulness, attachment style and conflict resolution behaviors in romantic relationships. MA dissertation. Humboldt State University. 2013; 66.
10. Horrocks MA. Financial Management Practices and Conflict Management Styles of Couples in Great Marriages. MA Dissertation. Utah State University; 2010; 70.
11. Cheng CC. A study of inter-cultural marital conflict and satisfaction in Taiwan. *International Journal of Intercultural Relations*. 2010; 34: 354-362.
12. Schudlich T, Papp L, Cummings E. Relations between Spouses' Depressive Symptoms and Marital Conflict: A Longitudinal Investigation of the Role of Conflict Resolution Styles. *Journal of Family Psychology*. 2011; 25: 531–540.
13. KHOjastehmehr R, Kochaki R GH. Attributions communication and conflict resolution strategies Constructive mediating role in the relationship between attachment style and marital quality. *Contemporary Psychology*. 2012; 2: 3-14. [Persian].
14. Bahmani M. Aryamanesh S. Bahmani M. Gholami S. Equity and Marital Satisfaction in Iranian Employed and Unemployed Women, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 2013; 84: 421- 425.
15. Hess JA, Pollom LH, Fannin AD. How much do we really know about equity's impact on relational communication? Issues in measuring equity in communication research. *Communication methods and measures*. 2009; 3:173-194.
16. Perry BJ. The relationship between equity and marital quality among Hispanics, African American and Caucasians. PhD Dissertation. Ohio State University. 2004; 101.
17. Sanaei B, Alagheband S, Falahati, SH, Hooman, A. Family Assement measures. 1th ed. Tehran: Beasat Publisher. 2000; 79-80-81-199-200. [Persian].
18. Nasr Esfahani N, Eetemadi A, ShafiAbadi A. Effects of meaning-centered teaching on marital intimacy. *Journal of Qazvin of Medical*. 2013; 17: 42-47. [Persian].
19. Khazaei S. The effect of differentiation teaching on the level of intimacy and differentiation of couples. MA Dissertation. Kharazmi Universityof Tehran. 2007; 66. [Persian].
20. Karami A. Examine the navigation and psychometric properties of health of the family of origin scale. *Research consulting*. 2009; 10: 103-118. [Persian].

21. Beyrami M, Babapour KH, Hashemi N, Abad T, Esmaily E, Bahadery Khosrowshahi J. Marital satisfaction predicted based on the components of emotional intelligence and conflict resolution styles. *Journal of Qazvin of Medical*. 2013; 17: 20-27. [Persian].
22. Haghighi H, Zarei E, Ghaderi F. Examine the Factor structure and psychometric properties of the scale of conflict resolution styles Rahim (ROCI-II) among Iranian couples. *Journal of Counseling and Family Therapy*. 2012; 1:534-561. [Persian].
23. Khojastemehr R, Faramarzi S, Rajabi GH. Examines the role of psychological perceptions of fairness in the marital quality. *Journal of Psychological Studies* 2011; 8:31-50. [Persian].
24. Khojastehmehr R, Faramarzi S. Examines the role of perceptions of fairness in the Marital quality psychological Study. 2012; 8:31-50. [Persian].
25. Botha A, Berg HS, Venter CA. The Relationship between family of origin and marital satisfaction. *Journal of Interdisciplinary Health Science*. 2009; 14: 441-447.
26. Stutzman SV, Bean RA, Miller RB, Randall D, Feinaur LL, Porter C L, Moore A. Marital conflict and adolescent outcomes: A cross-ethnic group comparison of Latino and European American youth. *Children & Youth Services Review*. 2011; 33: 663-668.
27. JafariNejad L, KhojastehMehr R, RajabiGR. The effect of equality gender ideology on marital harmony and disharmony mediated by perceived fairness (justice). *Journal of Psychological achievements, ShahidChamran University of Ahvaz*. 2012; 19(2): 176-159. [Persian].
28. Bakhshodeh A, BahramiEhsan H. The role of marital expectations and safe exchanges in predicting marital satisfaction. *Journal of Scientific- Research of Psychology and Islamic Studies*. 2012; 6: 27-42. [Persian].
29. Ghodraty H, Afrasiabi H, Barshad A, Moltafet H. Gender equality in the couples' and social determinants. *Journal of Women Psychology-social studies*. 2012; 10: 86-63. [Persian].